

1. Samuel 29

Persian Standard Bible of 1895 (Old Persian)



- 1 و فلسطینیان همه لشکرهای خود را در آفیق جمع کردند، و اسرائیلیان نزد چشمهای که در یزرعیل است، فرود آمدند.
- 2 و سرداران فلسطینیان صدها و هزارها میگذاشتند، و داود و مردانش با اخیش در دنباله ایشان می گذشتند.
- 3 و سرداران فلسطینیان گفتند که «این عبرانیان کیستند؟» و اخیش به جواب سرداران فلسطینیان گفت: «مگر این داود، بند شاه اسرائیل نیست که نزد من این روزها یا این سالها بوده است؟ و از روزی که نزد من آمد تا امروز در او عیبی نیافتم.»
- 4 اما سرداران فلسطینیان بر وی غضبناک شدند، و سرداران فلسطینیان او را گفتند: «این مرد را باز گردان تا به جایی که برایش تعیین کرده ای برگردد، و با ما به جنگ نیاید، مبادا در جنگ دشمن ما بشود؛ زیرا این کس با چه چیز با آقای خود صلح کند؟ آیا نه با سرهای این مردمان؟»
- 5 آیا این داود نیست که دربار او با یکدیگر رقص کرده، می سراییدند و میگفتند شاهل هزارهای خود و داود ده هزارهای خویش را کشته است.»
- 6 آنگاه اخیش داود را خوانده، او را گفت: «به حیات یهوه قسم که تو مرد راست هستی و خروج و دخول تو با من در اردو به نظر من پسند آمد؛ زیرا از روز آمدنت نزد من تا امروز از تو بدی ندیده ام. لیکن در نظر سرداران پسند نیستی.
- 7 پس الان برگشته، به سلامتی برو مبادا مرتکب عملی شوی که در نظر سرداران فلسطینیان ناپسند آید.»
- 8 و داود به اخیش گفت: «چه کرده ام و از روزی که به حضور تو بوده ام تا امروز در بنده ات چه یافته ای تا آنکه به جنگ نیایم و با دشمنان آقایم پادشاه جنگ ننمایم؟»
- 9 اخیش در جواب داود گفت: «میدانم که تو در نظر من مثل فرشته خدا نیکو هستی. لیکن سرداران فلسطینیان گفتند که با ما به جنگ نیاید.
- 10 پس الحال بامدادان با بندگان آقایت که همراه تو آمده اند، برخیز و چون بامدادان برخاسته باشید و روشنایی برای شما بشود، روانه شوید.»
- 11 پس داود با کسان خود صبح زود برخاستند و روانه شده، به زمین فلسطینیان برگردند. و فلسطینیان به یزرعیل برآمدند.